

۸ مارس روز جهانی زن مبارک باد !

هشتم مارس ۱۸۵۷، زنان کارگر کارگاه‌های پارچه‌بافی و لباس‌دوزی در نیویورک آمریکا به خیابان‌ها آمدند و خواهان افزایش دستمزد، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط نامناسب کار شدند. این تظاهرات با حمله پلیس و سرکوب زنان به پایان رسید.

سال ۱۹۰۷ در دوره‌ای که مبارزات زنان برای تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی اوج گرفته بود، بمناسبت پنجاهمین سالگرد تظاهرات نیویورک در هشتم مارس، زنان دست به تظاهرات زدند. ایده انتخاب روزی از سال به‌عنوان «روز زن» نخستین بار در جریان مبارزه زنان نیویورک با شعار «حق رای برای زنان» مطرح شد.

زنان تظاهر کننده در ۲۳ فوریه ۱۹۰۹ پیشنهاد کردند که هر سال یک تظاهرات سراسری در آمریکا به مناسبت «روز زن» برگزار شود. در سال ۱۹۱۰، «دومین کنفرانس زنان سوسیالیست» که کلارا زتکین از رهبران آن بود، به مسئله تعیین «روز بین‌المللی زن» پرداخت.

سال ۱۹۱۳ «دبیرخانه بین‌المللی زنان» (یکی از نهادهای انترناسیونال سوسیالیستی دوم)، هشتم مارس را با خاطره مبارزه زنان کارگر در آمریکا، به‌عنوان «روز جهانی زن» انتخاب کرد.

اگر تاریخ ۸ مارس ۱۸۵۷ با اعتراض زنان کارگر کارگاه‌های پارچه‌بافی در نیویورک به روز نمادینی برای مبارزات زنان در سراسر جهان برای دستیابی به حقوق برابر تبدیل شد، در ایران این «جمعیت پیک سعادت نسوان» بود که حدود سال ۱۳۰۰ برای نخستین بار ۸ مارس را به عنوان روز جهانی زن به رسمیت شناخت و مراسمی را در رشت برگزار کرد.

و اما بعد از شکل‌گیری جمهوری اسلامی در ایران حقوق زنان در ابعاد وسیعی نادیده گرفته شد و آزادی‌های آنان در چارچوبه قوانین اسلامی محدود شد. آغاز مبارزه زنان بعد از شکل‌گیری جمهوری اسلامی با فرمان حجاب اجباری شروع شد.

تظاهرات زنان در روز ۸ مارس (برابر با ۱۷ اسفند) سال ۱۳۵۷ و پنج روز پس از آن، از مهم‌ترین روزهای تاریخ جنبش زنان در ایران و آغاز مبارزه آنان علیه قوانین ضد زن در جمهوری

اسلامی بود.

خمینی در مصاحبه ای با اوریانا فالاچی در اطلاعات یکشنبه ۱۵ مهر ماه ۱۳۵۸، چنین گفته بود:

« قانون این که یک مرد بتواند با چهار زن ازدواج کند، قانونی است خیلی متریقی و برای خوبی زن‌ها نوشته شده است. بخاطر اینکه تعداد زن‌ها از مردان خیلی بیشتر است.»

در جمهوری اسلامی مبانی تبعیض علیه زنان در قوانین جاری کشور مدون شده است، اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی میگوید: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب گردد.»

یعنی زنان حق انتخاب شدن به مقام ریاست جمهوری را ندارند، البته این تمام ماجرا نیست و در قوانین جمهوری اسلامی زنان حققتفاوت نیز ندارند، نصف برادر خود ارث نمیگیرند و حق طلاق مگر در شرایط خاص، بصورت یک جانبه به مرد داده شده است هم زمان با این، قانون حجاب اجباری خود به یک نظام آپارتایدی علیه زنان تبدیل شده است و در متون قانون ایران مسئله امنیت اجتماعی زنان برای حضور در جامعه نیز نادیده گرفته شده است اکنون با آشکار شدن ناکارآمدی حکومت اسلامی و به بن بست رسیدن آن در عرصه های سیاسی و اقتصادی، با فشاری بر حجاب اجباری ابزار حکومت برای حفظ و ادامه سلطه بر جامعه شده است.

با فشاری نظام بر رعایت حجاب که زمانی شاید به واسطه دین و انقلاب از طرف بخشی پذیرفته می شد، با رشد فکری و گسترش حقوق فردی در جامعه در شرایط کنونی نا عادلانه و تبعیض آمیز تلقی می شود.

تبعیض جنسیتی در جوامع اسلامی بخصوص در جمهوری اسلامی ایران تنها در قوانین رسمی دولتی نیست، در فرهنگ و اخلاق جامعه هم هست، خارج از دولت در مناسباتی مردسالارانه میان مردم جاری است.

ولی مسلم است که از طرف دولتیان تأیید و تقویت می شود.

نماد برجسته این تبعیضها حجاب اجباری علیه حقوق اولیه زن‌ها در جمهوری اسلامی است. آزادی پوشش جزو حقوق انسانی است، جزو حقوق فردی و جزو قوانین حقوق بشر است.

جمهوری اسلامی از طریق عمومیت دادن به احکام عقب مانده اسلامی در قانون و جاری کردن آن در جامعه و محدود کردن زنان، سعی در خفه کردن نیمی از جامعه ایرانی را دارد.

در شرایط کنونی گام اول مبارزه زنان علیه قوانین و مناسبات مردسالارانه، عبور از جمهوری اسلامی و

شرط اولیه مبارزه با تبعیض های جنسیتی رسیدن به یک جامعه آزاد، دموکراتیک و تلاش برای استقرار برابر حقوقی انسانهاست. مسلم است که برای محو ستم جنسیتی و رفع تبعیض علیه زنان و دگر جنسیت ها راه طولانی در پیش است، و باید همه انسان های برابری خواه و آزادیخواه در این راه مشارکت کنند.

همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۸ - ۶ مارس ۲۰۲۰

*- احزاب و سازمان های تشکیل دهنده : کومه له زحمتکشان کردستان، شورای موقت سوسیالیست های چپ ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب مردم بلوچستان، حزب کومه له کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک

پی آمدهای ویروس کرونا

رژیم جمهوری اسلامی ارزشی برای جان شهروندان قائل نیست



با پیدایش و شیوع سریع ویروس خطرناک کرونا در چین و انتشار کم و بیش آن در دیگر کشورها در طول دو هفته گذشته، آذیر خطر گسترش یک اپیدمی در منطقه و حتی جهان به صدا درآمد و دولتهای مختلف را به اتخاذ سیاستهای ویژه برای پیش گیری و درمان مبتلایان به این بیماری کشاند. اما در این میان و به یکباره شیوع نسبتاً وسیع این ویروس در ایران خبرساز شد و ایران نه تنها به دومین کشور صدمه دیده بعد از چین، چه از جهت تعداد مبتلایان و چه از جهت تعداد افرادی که به خاطر ابتلا به این مریضی جان خود را از دست داده اند تبدیل شد، بلکه این کشور کانون انتشار ویروس کرونا به کشورهای مختلف جهان شد.

مدیریت به غایت غیرشفاف و ناسالم بحران، و سرعت شیوع این بیماری در شهرهای مختلف در واقع ریشه در فرصت طلبی رژیم جمهوری اسلامی و امنیتی کردن اپیدمی کرونا از سوی آنست. سیاستهای غیرمسئولانه رژیم حاکم و بی دقتی در این زمینه ایران را به کانون صدور ویروس کرونا تبدیل کرده است. سیاست ضد انسانی و فرصت طلبانه رژیم در کتمان این اپیدمی در قبل از برگزاری به اصطلاح انتخابات مجلس شورای اسلامی که میتوانست حضور مردم را بیش از پیش در انتخابات کم رنگتر کند، زمینه های شیوع وسیع و هولناک ویروس کرونا در میان شهروندان ایران را فراهم آورد.

رهبران جمهوری اسلامی و حتی مدیران رده بالای دولتی در مرحله اول وجود ویروس کرونا و مبتلایان به آن را در ایران را بکلی انکارکردند. اما سرعت شیوع این ویروس به قدری بالا بود که دامن همان مسئولینی که خود وجود ویروس کرونا در کشور را انکار میکردند گرفت و آنها را در بستر این بیماری انداخت. خبرهای غیررسمی از عدد های نجومی بالائی را از جهت تعداد مبتلایان به ویروس کرونا و حتی قربانیان این بیماری سخن میگویند و افکار عمومی در ایران در هاله ایی از بهت، شبهه و بی اعتمادی کامل به مسئولیت دولتی قرار دارد.

باوجود اینکه ملاقاتهای رهبری جمهوری اسلامی بکلی و تا اطلاع ثانوی لغو شده است، حسن روحانی بی شرمانه قرنطینه را در هر سطحی مردود شمرده و حتی میگوید که از آغاز هفته دیگر زندگی عادی به کشور باز خواهد گشت. این در حالیست که خبرهای بسیار نگران کننده ایی از کشور به گوش میرسد. سازمان بهداشت جهانی در نهایت نسبت به شرایط

بحرانی در ایران واکنش نشان داده و نگرانی خود را نسبت به چند و چون مقابله با پیشرفت ویروس کرونا ابراز کرده است.

همه دلایل و شواهد در برخورد با بحران اخیر نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران ارزشی برای جان انسان‌ها و جان شهروندان کشور قائل نیست و چون هر زمان دیگری به فکر نمایش‌های مسخره برای تثبیت و تبلیغ رژیم پوسیده خویش است.

ما، ضمن آرزوی پایان یافتن اپیدمی اخیر و بهبودی هر چه سریع‌تر مبتلایان به این بیماری، از مردم می‌خواهیم که ضمن رعایت احتیاط و برای سلامت خود، به مشاوره پزشکان متخصص و مستقل در این زمینه گوش فرا دهند و خود مبتکرانه با تکیه بر توصیه پزشکان از شیوع غیرمتعارف این ویروس در کشور ممانعت کنند. ما همچنین از ابتکاراتی چون دعوت «دانشجویان متحد» از دانش‌آموزان و دانشجویان تا در روز 10 اسفند در اعتراض به تصمیمات غیر مسئولانه حکومت در قبال این اپیدمی خطرناک به مدرسه و دانشگاه نروند و یا هشدار شورای بازنشستگان و جمعی از خانواده‌های زندانیان اجتماعی و سیاسی در شیوع این بیماری در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های تحت کنترل قوه قضائیه و نهادهای امنیتی است، استقبال می‌کنیم. تاکید داریم که با توجه به ناکارآمدی دولت جمهوری اسلامی همکاری با جامعه جهانی در این زمینه از جمله همکاری موثر با متخصصان سازمان بهداشت جهانی اهمیت بسیاری برای مقابله با این بیماری همه‌گیر دارد.

همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

**مضحکه ای به نام "انتخابات" !
رأی ما نه به جمهوری اسلامی است
!**



یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی روز دوم اسفند برگزار خواهد شد. این انتخابات در شرائطی برگزار میشود که کشور در یک بحران عمیق اقتصادی و سیاسی بسر برده و حکومت بیش از هر زمان دیگری با نارضایتی مردم روبرو است. در چند سال گذشته جامعه با تلاطمات بسیاری روبرو شده است، تظاهرات اعتراضی دیماه ۱۳۹۶، و در ادامه تظاهرات آبانماه ۱۳۹۸، برخورد سعبانه حکومت با مردم در خیزش آبانماه که به کشته شدن بیش از ۱۵۰۰ تن از مردم و دستگیری و زندانی شدن بیش از هفت هزار نفر انجامید، پرتاب موشک به هواپیمای مسافربری و کشته شدن ۱۷۶ سرنشین هواپیما و کتمان مسئولیت حکومت ایران در این کشتار به مدت سه روز و تداوم تظاهرات و اعتصابات کارگران و معلمان و بازنشستگان و ... نشان از بحران عمیق درون جامعه ایران و ناتوانی این حکومت در پاسخگویی به خواسته های مردم دارد.

در چهل و یک سال گذشته به تدریج نقش سیاسی مردم در جمهوری اسلامی کاهش داشته و قدرت گیری سیاسی نظامی و اقتصادی ولی فقیه و مریدانش در قدرت دولتی، تقسیم درآمدهای نفتی و ثروت اجتماعی بسمت جناح های قدرت رفته رفته بیشتر شده و فقر در بین اکثریت جامعه گسترش یافته است. در کنار سیاست رانتی دولت، اگر تحریم های خارجی را هم اضافه کنیم به فلاکت باری وضع موجود در ایران می رسیم. اکثریت مردم در فقری اسیرند که نظام جمهوری اسلامی مسبب اصلی آن است

انتخابات در جمهوری اسلامی از ابتدا تا کنون غیر آزاد و گزینشی بوده است. یعنی تا کنون حق انتخاب شدن، حق سخن گفتن، حق نوشتن و انتشار آن، حق داشتن روزنامه و نشریه، حق فعالیت احزاب سیاسی و نهادهای مدنی، حق استفاده برابر از

رسانه‌های عمومی برای مخالفان حکومت، وجود نداشته است.

در این انتخابات حداکثر، امکان رقابت جناح‌های درون حکومت برای حضور در نهادهایی مثل مجلس و ریاست‌جمهوری وجود داشته است. اما اکنون سالها است که دامنه این رقابت‌ها، زیر تیغ نظارت استصوابی شورای نگهبان، محدودتر شده و دخالت در انتخابات و فرمایشی کردن کامل آن، اکنون به روال عادی انتخابات تبدیل شده است.

جمهوری اسلامی به رای مردم باور ندارد و تنها می‌کوشد تا با نمایش از مشارکت مردم به رژیم خود مشروعیت بخشد. برای حکومت اسلامی فقط جنبه تبلیغاتی مشارکت مردم مهم است و نه نتیجه انتخابات، چرا که نتیجه را خود از پیش و به صورت کنترل شده، هدایت می‌کند.

براین پایه مشکل امروز جامعه ایران با تعویض نمایندگان مجلس حل نمی‌شود، بلکه مشکل بنیادی و ساختاری است و تنها با نفی حکومت دینی و سلسله مراتب قدرت دولتی و کل نظام غیر مردمی جمهوری اسلامی است که میتوان بر مشکلات عدیده در ایران فائق آمد. برای بهبود وضع سیاسی - اقتصادی جامعه باید کلیت این نظام پوسیده و فاسد کنار رود.

بنابراین سد بزرگ پیشرفت جامعه ایران حاکمیت نظامی غیر مردمی و بشدت فاسد به نام جمهوری اسلامی است.

در جمهوری اسلامی انتخابات و تأثیرگذاری آن بر آینده زندگی مردم بیشتر جنبه شعاری، فرمایشی و نمایشی دارد و نقش اساسی در ماهیت دولت و کارکرد آن ندارد.

هموطنان گرامی !

قانون اساسی جمهوری اسلامی رسماً امکان حضور دگراندیشان سیاسی - اجتماعی و مخالفان نظام اسلامی در انتخابات را منتفی ساخته است. سهم همه نیروهای سکولار و دمکرات و چپ ایران در طول حیات جمهوری اسلامی سرکوب، زندان، شکنجه، اعدام و تبعید بوده است.

اما نظام جمهوری اسلامی تنها به حذف مخالفان بسنده نکرده است، سیاست حذف مخالفان و معترضان، حتی شامل بسیاری از نیروهای درونی خود رژیم نیز شده است.

با وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی، و مشکلات کار و معیشت که دم

به دم شدیتر می شود، گذران زندگی روزمره و تامین حداقل نیازهای آن به مشغله ذهنی عمده توده ها تبدیل شده است. در واقع، با توجه به ماهیت عملکرد و سیاستهای جاری خود رژیم، اکثریت مردم به روشنی دریافته اند که در صورت تداوم این بساط، عملاً هیچ بهبودی در زندگی امروز و فردای آنان ممکن و میسر نیست و از این رو نیز غالباً از نمایش های ادواری آن همچون انتخابات نمایشی هم رویگردان شده اند.

هم میهنان گرامی !

همبستگی برای آزادی و برابری در ایران معتقد است، که در یک جامعه آزاد، حکومتها تابع رای مردم و پاسخگو به مردم هستند. در کشور ما همواره این حکومتها بوده اند که بر بالای سر صندوقها ایستاده اند و با کنترل بر آنها، رای مردم را نادیده گرفته اند. در جمهوری اسلامی با لغو حق عمومی انتخاب شدن و محدود نمودن آن به وابستگان به قدرت، عملاً امکان دخالت آراء مردم در تحولات سیاسی محدود و محدودتر شده و دست آخر در جریان این انتخابات شاهدیم که چگونه به یک مضحکه انتخابات فرمایشی تبدیل شده است.

با تحریم این نمایش انتخابات و عدم حضور در پای صندوقهای رای، اجازه ندهیم که جمهوری اسلامی باری دیگر رای مردم را در انظار جهانیان، خرج مشروعیت بخشیدن به نظام استبدادی خود کند و در داخل کشور از آن برای ارعاب و فریبکاری استفاده نماید.

خلوت نگهداشتن حوزه های رای گیری و خالی گذاشتن صندوقهای رای، به سود آزادی، به سود حاکمیت مردم و در جهت تشدید مبارزه علیه استبداد حاکم و تقویت جنبش های اجتماعی و جنبش اعتراضی سراسری و به زیان استبداد حاکم است.

با عدم شرکت در این انتخابات فرمایشی، اعتراض خود را علیه عدم کارآئی، فساد، رکود اقتصادی، تورم، بیکاری، فقر فزاینده، اختناق و سرکوب، علیه سیاست خارجی ماجراجویانه و تنش زا که به افزایش خطر جنگ و تشدید تحریم های اقتصادی انجامیده است، اعلام کنید.

نیروهای آزادیخواه و دموکرات !

شرایط کنونی جامعه ایران و نارضایتی عمیق مردم از وضعیت کشور و این حکومت این امکان را فراهم کرده است که با تلاش اپوزیسیون دموکرات و آزادیخواه بتوان عدم شرکت در انتخابات

فرمایشی را به یک جنبش عمومی تبدیل کرده و آن را به خیزش آبانماه گذشته پیوند زد و این فرصت مناسبی است برای یک قیام گسترده و هماهنگ و مشترک در این عرصه با بهره گیری از همه امکانات؛ فعال کردن شبکه های اجتماعی، اعلامیه ، تراکت، سخنرانی و .. مردم را به عدم شرکت در انتخابات و خالی گذاشتن صندوقهای رای دعوت کنیم.

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” *

جمعه ۲۵ بهمن ۱۳۹۸ - ۱۴ فوریه ۲۰۲۰

***- احزاب و سازمانهای تشکیل دهنده :** کومه له زحمتکشان کردستان، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب مردم بلوچستان، حزب کومه له کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک

نامه سرگشاده به آقای جوزپه بورل

نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امور امنیتی

ما این نامه را معروض میداریم تا توجه ویژه جنابعالی را به آنچه در ایران، بر اکثریت عظیم مردم میگذرد، جلب نمائیم. ما این نامه را از طرف «همبستگی برای آزادی و برابری در ایران» مینویسیم. همبستگی برای آزادی و برابری در ایران از ده حزب و سازمان سیاسی اپوزیسیون ایران تشکیل شده است و برای دستیابی به آزادی و برابری و استقرار یک جمهوری دموکراتیک، جدائی دین و دولت و فدرالیزم در



ایران مبارزه میکند.

جناب آقای جوزیه بورل همانگونه که مطلعید در تعاقب درگیریهای شدید و تنش آمیز سیاسی میان رژیم جمهوری اسلامی ایران با دولت ایالات متحده آمریکا و افزایش خطر جنگ، در سحرگاه چهارشنبه ۱۸ دی ماه (۸ ژانویه) یک فروند هواپیمای مسافربری اوکراینی در نزدیکی تهران در اثر اصابت موشک های پدافند ضد هوائی ایران سقوط کرد و ۱۷۶ سرنشین آن کشته شدند. مقامات جمهوری اسلامی تا سه روز پس از این فاجعه حاضر به پذیرش مسئولیت این جنایت نبودند و در نهایت زیر فشار افکار عمومی جهان و خانواده های قربانیان، مجبور به اعتراف شدند که هواپیما به دلیل "خطای انسانی" و "غیر عمدی"، هدف موشک پدافند هوایی ایران قرار گرفته و سقوط کرده است. مسبب این جنایت تلاش میکنند تا شرائط درگیری با ایالات متحده آمریکا و خطای فردی را عامل این فاجعه قلمداد کنند.

در پی این واقعه بار دیگر مردم در شهرهای ایران در اعتراض به حکومتی که برای جان انسانها هیچگونه ارزشی قائل نیست به خیابانها آمدند.

سابقه رژیم جمهوری اسلامی ایران در نقض حقوق بشر و سرکوب مخالفان، کشتار، دستگیری، زندان و شکنجه به درازای بیش از چهل سال حاکمیت نظام اسلامی است.

جناب آقای جوزیه بورل بطور حتم مطلع هستید که از روز ۱۵ ماه نوامبر سال گذشته، به دنبال اعلام گران شدن بهای بنزین، تظاهرات وسیعی در غالب شهرهای ایران در اعتراض به گرانی، بیکاری و وضعیت فلاکتبار اقتصادی صورت گرفت. خواست مردم کاهش هزینه های زندگی، رفع بیکاری و تامین حداقل نیازهای یک زندگی متعارف انسانی با برخورداری از حق آزادی بیان، تشکل مستقل مدنی، صنفی و اجتماعی و حق اعتراض و اعتصاب بود. حکومت ایران اعتراضات مردم را با خشونت تمام پاسخ گفت و در خیابانها آتش به روی آنها گشود. کشتار و ترور برنامه ریزی شده مردم عادی در اثر شلیک تک تیراندازها از بالگردها و بالای ساختمانها و همچنین شلیک گلوله های مرگبار به جمع تظاهرکننده صورت گرفت. بسیاری از گزارشها حاکی از آنند که مردم معترض، از جمله کودکان، از ناحیهی سر مورد اصابت گلوله قرار گرفته اند. بر طبق آمار غیر رسمی، تنها در فاصله پنج روز بیش از هزار و پانصد تن از معترضین کشته شده و بیش از هفت هزار نفر دستگیر و در زندانهای مختلف کشور به بند کشیده شدند. حکومت تا

کنون از اعلام تعداد کشته شدگان و بازداشت شدگان خودداری کرده است.

طبق مشاهدات شاهدان عینی، مامورین حکومتی اجساد و همچنین افراد مجروح را از بیمارستان‌ها بیرون برده و به مکانهای نامعلومی منتقل کرده اند. رژیم تلاش میکند تا بدین طریق بر جنایات صورت گرفته سرپوش گذارد.

بر طبق شواهد عینی در روزهای پس از تظاهرات اجساد بسیاری از قربانیان در نقاط مختلف پیدا شده است. بر اساس اخبار موثق، بسیاری از دستگیر شده گان زیر شکنجه بوده و در زندانهای رژیم در معرض خطر مرگ قرار دارند. دستور برخورد خشونت آمیز مستقیماً توسط شخص خامنه ای و موافقت و نظارت دولت و دیگر مسئولان نظام صادر و اجرا شده است و این در تمام چهل سال گذشته سیاست رایج رژیم جمهوری اسلامی بوده است.

رژیم برای جلوگیری از پخش اخبار این خشونت بی سابقه و پخش گزارش در شبکه های اجتماعی، برای مدتی اینترنت را قطع نمود.

میشل باشله کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد روز ۶ دسامبر ۲۰۱۹ (۱۵ آذر ۱۳۹۸) در مورد شمار قربانیان اعتراضات آبانماه در ایران ابراز نگرانی نمود و در بیانیه خود نوشت: «براساس گزارشها، از زمان آغاز اعتراضات جمعی در روز ۱۵ نوامبر تا کنون دست کم هفت هزار نفر در بیست و هشت استان از سی و یک استان ایران بازداشت شده اند و کمیسر عالی به شدت نگران شرایط بازداشت این افراد، از جمله فشار جسمی، نقض حق برخورداری از روند رایج قضایی و طرح این احتمال که ممکن است تعداد قابل توجهی از آنان به جرایمی متهم شوند که مجازات اعدام را در پی دارد.» همچنین در تاریخ ۱۸ دسامبر قطعنامه ای در محکومیت وضعیت حقوق بشر در ایران در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید. علاوه بر این نهادهای دیگری از جمله سازمان عفو بین الملل گزارشاتی در این زمینه داده اند.

تمامی گزارشها نشان از نقض مکرر حقوق بشر و جنایت علیه بشریت توسط نیروهای انتظامی، امنیتی و همچنین نیروهای اطلاعاتی و در پوشش لباس شخصی های رژیم جمهوری اسلامی ایران دارد.

تضییقات و دستگیری مخالفین، محاکمات چند دقیقه ای و احکام اعدام یا زندانهای طویل المدت، سیاست جاری این رژیم در برخورد با مخالفین خود بوده و تا به امروز در ابعاد بسیار گسترده همچنان

ادامه دارد.

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت در مورد آتش بس جنگ ایران و عراق، دولت ایران در تابستان ۱۹۸۸ به فرمان خمینی نزدیک به پنج هزار زندانی سیاسی را در کمتر از سه ماه و در پی محاکمات چند دقیقه ای به جوخه های اعدام سپرد و در گورهای دستجمعی دفن کرد و حتی از اعلام محل دفن آنان به خانواده های آنان خودداری کرد.

ربودن و کشتار نویسندگان و روشنفکران، اعزام تیمهای ترور برای کشتن مخالفین در خارج از ایران، تهمت زدن جاسوسی و «عامل بیگانه» به معترضین و موارد متعدد دیگر که پرونده ای قطور است.

هم اکنون هزاران نفر در زندانهای رژیم در بند هستند و اعتراضات و اعتصابات مردم برای ابتدائی ترین حقوق اولیه شان هر روزه ادامه دارد.

جناب آقای جوزپه بورل، شهروندان ایران شیفته زندگی بهتر و تشنه آزادی و عدالتند و به حمایت و پشتیبانی بشردوستانه بین المللی نیاز دارند.

ما از شما درخواست میکنیم که با توجه به وضعیت بسیار سختی که مردم ایران در آن گرفتارند، بیشترین تلاشها در روابط دوجانبه و در مجامع بین المللی، در جهت اعمال فشار به رژیم حاکم بر ایران صورت بگیرد تا این رژیم:

- تعداد جانباختگان و دستگیرشدگان تظاهرات مردمی ماه نوامبر را هر چه زودتر اعلام کند . ما خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی هستیم.
- حق و امکانات خانواده ها برای پیگیری وضعیت کشته شدگان و اسیران در بند را تامین کند
- امکان دادخواهی را برای خانواده ها تامین و تضمین کند
- به اعزام یک هیات مستقل بین المللی برای رسیدگی به جوانب حقوقی و قضائی سرکوب و کشتار کم سابقه ای که در نیمه دوم ماه نوامبر به وقوع پیوسته و همکاری با این هیات برای روشن شدن تمامی جوانب آن متعهد شود
- حق آزادی بیان و اندیشه، تجمع و اعتراض مسالمت آمیز، اعتصاب و ایجاد تشکل های مستقل را طبق موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای پیوسته آن به رسمیت شناخته و به اجرا گذارد

▪ اجازه سفر به گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران برای بررسی مشخص و نقض آشکار و مستمر حقوق بشر در ایران و بویژه سرکوبگری بیسابقه اعتراضات مسالمت آمیز در ماه نوامبر گذشته، داده شود.

در پایان پیشاپیش از اقدامات عاجل شما در این زمینه سپاسگزاری میکنیم.

همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

۲۱ ژانویه ۲۰۲۰

اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب کومه له کردستان ایران، حزب مردم بلوچستان، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، کومه له زحمتکشان کردستان

اطلاعیه مطبوعاتی تارنمای همبستگی

تارنمای "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" از بامداد روز شنبه ۴ ژانویه ۲۰۲۰ برابر با ۱۳ دیماه ۱۳۹۸ با پیام سال نو میلادی به همه هم میهنان ایرانی در داخل و خارج از کشور و همچنین همه کسانی که در هر نقطه دیگری از جهان دلهایشان برای آزادی و رهایی از چنگال ظلم، بی عدالتیهای اجتماعی و بهرهکشی می طبد، فعالیتهای رسانه ای خود را آغاز نمود.



رسانه "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" راستای فعالیتهای خود را در جهت پشتیبانی از مبارزات گسترده و رو به افزون مردمان ایران علیه نظام بیداد، فاسد، آزادی و عدالت ستیز جمهوری اسلامی می داند و در نظر ندارد که رسانه ای در کنار رسانه های

عمومی و یا خبری دیگر و یادر رقابت با آنها باشد. "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" سه مشخصه عمده را برای فعالیتهای رسانه ای خود قرارداده است:

۱- سعی و کوشش در همبستگی و پشتیبانی از مبارزات مردمان ایران در راه سرنگونی کلیت نظام جمهوری اسلامی توسط خود مردمان ایران بدون اما و اگر.

۲- تاکید بر ضرورت برجسته کردن دموکراسی، آزادی و برابری و عدالت خواهی مردمان ایران در روند سرنگونی نظام اسلامی و بطور مشخص برجسته تر کردن "جمهوری، جدائی دین و دولت و فدرالیزم".

(برای اطلاع بیشتر در مورد رؤوس نظری "همبستگی" رجوع کنید به "سند تفاهم نامه" در تارنمای همبستگی).

۳- رسانه "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" خود را همگام مبارزات مردمان منطقه که مانند مردمان جامعه ایران تشنه آزادی، عدالت اجتماعی، جمهوریت و حاکمیت بلاواسطه خود هستند می داند، بویژه در کشورهایی که رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب اعتراضات مردم نقش فعال و مؤثری بعهدده دارد.

با توجه به مسائل فوق، "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" تلاشهای رسانه ای خود را درجهت پشتیبانی از جنبشهای مردمان ایران برای براندازی کلیت نظام جمهوری اسلامی و انعکاس صدای حق طلبانه، چه در ایران و چه در خارج از ایران و همچنین تلاش برای ایجاد همگامی و انسجام بیشتر در صفوف جمهوریخواهان و یاری رسانی از طریق دامن زدن به فعالیت های فکری و نوشتاری، برگزاری مجالس بحث و گفتگو در مورد مسائل اساسی جنبش اعتراضی مردمان ایران و منطقه، بویژه تحقق آزادی و دموکراسی، جدائی دین و دولت، جمهوری، فدرالیزم، برابرحقوقی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، جنسیتی و دهها امر اساسی دیگر و از جمله تدارک اقدامات مشترک اعتراضی میدانی در خارج از کشور در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی می بیند.

رسانه "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" برای تحقق اهداف فوق نیاز به یاری و همراهی همه ی هم باوران به ارزشهای دموکراسی و جمهوری، آزادی و برابری دارد.

آدرس تماس با رسانه "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران":

info@hambastegi.info

آدرس اینترنتی رسانه "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران":

www.hambastegi.info

www.hambastegi.de

www.hambastegi.network

www.hambastegi.online

هیئت تحریریه رسانه "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران"

چهارم ژانویه ۲۰۲۰ / ۱۳ دی ۱۳۹۸

اعلامیه "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" در باره عراق و...

از مبارزات مردم عراق علیه، فقر، بیکاری و فساد و
همچنین علیه دخالت نظامی و سیاسی رژیم جمهوری
اسلامی

پشتیبانی می کنیم!

در دو هفته گذشته جوانان پرشور عراق علیه
بیکاری، فقر و فساد حاکم بر جامعه عراق به
پا خاسته اند و دامنه این اعتراضات و خواسته‌های
تظاهرکنندگان به سرعت به بسیاری از شهرهای عراق
گسترش یافته است.



اگر چه این حرکت اعتراضی در ابتدا متوجه دولت عراق بود ولی سرعت سمت و سوی شعارهای تظاهرکنندگان به اعتراض به حضور نیروهای سرکوبگر و متجاوز سپاه پاسداران و مزدوران حشدالشعبی رژیم جمهوری اسلامی که در سرکوب مبارزات مردم نقش به سزایی دارند، سوق داده شد و با حمله به سفارتخانه ایران و اماکن و مقرهای شبه نظامیان دست نشانده سپاه قدس و تلاش برای به آتش کشیدن و یا بستن آنان، معترضین انزجار خود را از حضور نیروهای متجاوز رژیم جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند.

خواست به حق مردم عراق و همچنین ما این است که جمهوری اسلامی باید به دخالت‌های سیاسی، نظامی و مافیایی خود در عراق خاتمه دهد و بدون قید و شرط، هر چه سریع تر از خاک عراق خارج شود!

جمهوری اسلامی ایران از همان آغاز بقدرت رسیدنش برای تثبیت، تداوم و گسترش حاکمیت سیاه و ضد بشریش و برای منحرف نمودن اذهان مردم از بی کفایتی اش در حل مشکلات و مسائل داخلی ایران، سیاست بحران آفرینی در منطقه را برگزیده و پیش برده است.

شعارهایی چون " صدور انقلاب اسلامی"، "نجات قدس از راه کربلا میگذرد"، "نابودی اسرائیل" و... بیانگر این هدف ارتجاعی، دخالت‌جویانه و جنگ طلبانه رژیم جمهوری اسلامی ایران است که بخصوص در جنگ ۸ ساله با صدام باعث تلفات بیشمار انسانی و خسارات بسیار عظیم مالی هم برای مردمان ایران و هم عراق شد.

از پیامدهای دیگر بحران آفرینی رژیم جمهوری اسلامی در جامعه، حیف و میل درآمدهای میلیاردی نفت است که از یکطرف در جهت بالا بردن توان تسلیحاتی جمهوری اسلامی بکار گرفته می شود و از طرف دیگر در جهت گسترش نفوذ سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی در منطقه و پشتیبانی از جناح‌ها و سازمانهای ارتجاعی و هم تراز خود استفاده می شود؛ و این درحالیست که بیش از ۷۰٪ مردم ایران زیر خط فقر زندگی میکنند، و یا ماهها حقوق معوقه بازنشستگان و کارگران و کارمندان و اقشار تهیدست مزدبگیر، یا پرداخت نمی شود و یا به تعویق می افتد.

رژیم جمهوری اسلامی ایران از طریق دخالت های آشکار سیاسی و مافیائی، قاچاق مواد مخدر و گسترش اعتیاد میان جوانان، اعزام نیروهای نظامی، سازماندهی تشکلهای مزدور و کمک به گروههای تروریستی، در تمامی امور کشور های عراق و لبنان و ... دخالت نموده است.

هم اکنون در لبنان و عراق جنبشهای عظیمی برپا شده است، جنبشهای مردمی که همانند مردمان ایران تشنه آزادی و عدالت اجتماعی‌اند و برای دموکراسی و حاکمیت مردم و زدودن فقر مبارزه میکنند.

در عراق آشکارا نیروهای جمهوری اسلامی مستقیم در سرکوب معترضین شرکت دارند و تا کنون بیش از صدها نفر در درگیری‌ها به قتل رسیده و هزاران نفر زخمی شده‌اند.

پیامد این سیاست شعارهای مردم در خیابانهاست که بدرستی خواهان خروج نیروهای جمهوری اسلامی ایران از کشورشان میباشند.

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” ضمن حمایت از خواستهای برحق مردمان بجان آمده عراق و لبنان اعلام میدارد:

۱- دخالت دولتهای خارجی در امور کشورهای دیگر را بطور کلی رد و محکوم نموده و پیشبرد امورات هر کشور را از حقوق انکارناپذیر مردمان آن کشور میداند.

۲- مردمان ایران مخالف جنگ و کشتار و خواهان صلح و آشتی و مناسبات دوستانه برابر با همه کشورهای جهان میباشند.

۳- جمهوری اسلامی ایران باید به دخالت در امور کشورهای دیگر پایان دهد!

۴- تمامی نیروهای اعزامی جمهوری اسلامی ایران باید فوراً و بی‌قید و شرط از عراق خارج شوند!

۵- جمهوری اسلامی ایران باید به سازماندهی گروههای مزدور و تروریستی و حمایت از آنان خاتمه دهد.

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” براین نظر است، جمهوری اسلامی رژیم ستم پیشه است که با کارکردی ضد مردمی بیش از ۴۰ سال، با ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه، با زندان، شکنجه و اعدام، آزادی‌های اجتماعی را از مردمان ایران سلب کرده و جامعه را به ورطه نابودی کشانده است و باید به حاکمیتش پایان داد.

زنده باد مبارزات و همبستگی مردمان منطقه برای آزادی و برابری!

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!

“همبستگی برای آزادی و برابری در ایران” *

18 آبان 1398 - 9 نوامبر 2019

*- احزاب و سازمانهای تشکیل دهنده : کومه له زحمتکشان کردستان، شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب مردم بلوچستان، حزب کومه له کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب تضامن دمکراتیک اهواز، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، اتحاد دمکراتیک آذربایجان - بیرلیک